

حضرت عبدالبها می فرمایند:

«امیدوارم که این سنه جدید مبارک و سعید باشد و سبب حصول تأیید و توفیقی شدید شود.»

(پیام آسمانی ج ۲ ص ۳۳۷)

برنامه ضیافت و احتفال عید صیام و نوروز

قسمت روحانی:

۱- مناجات شروع

۲- دعای دسته جمعی

۳- لوح مبارک عید صیام و نوروز

۴- آیاتی از کتاب مستطاب اقدس

۵- قسمتی از لوح حضرت بهالله

۶- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری:

۷- نوروز ۱۲۶۳ هجری قمری

۸- شام شب نوروز در حضور امه البها روحیه خانم

۹- نوروز و نرگس (شعری از فریدون مشیری)

۱۰- شور و پیشنهادات

قسمت اجتماعی:

۱۱- برنامه نونهالان و نوجوانان

۱۲- الفت و پذیرائی

۱۳- مناجات خاتمه

هُوَ اللَّهُ

ای پروردگار این دوستان یاران تو اند و سر مست پیمانهء پیمان تو همه پرورده آغوش بخششند و شیرخوار
پستان دهش خداوند آفرینش اگر مستمندند ولی هوشمندند اگر ناتوانند ولی زورمندند چه که تو پشتیبانی تو
یاور مهربانی در جهان کیهان سر بلند نما و در ایوان یزدانی جای بده در انجمن بالا ر و سفید فرما و در امید
بگشا و ازبخشش آسمانی بهره بخش شب تیره را روز فرما و روز نوروز را فیروز کن توئی توانا توئی بینا توئی شنوا
توئی بیهمتا توئی مهربان . ع ع

(مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبهاء ص ۲۶۰)

۴-آیاتی از کتاب مستطاب اقدس

طوبی لمن فاز بالیوم الاول من شهرالبهَاء الذی جعله الله لهذاالاسم العظیم. طوبی لمن یتظهر فیه نعمه الله علی
نفسه انه ممّن اظهر شکرالله بفعله المدلّ علی فضله الذی احاط العالمین. قل انه لصدرالشهور و مبدئها و فیه تمرّ
نفحة الحیوة علی الممکنات طوبی لمن ادرکه بالروح و الریحان نشهد انه من الفائزین

الاعظم

لَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي بِمَا جَعَلْتَ النَّيْرُوزَ عِيداً لِلَّذِينَ صَامُوا فِي حُبِّكَ وَ كَفُّوا أَنْفُسَهُمْ عَمَّا يَكْرَهُهُ رِضَاؤُكَ * أَي رَبِّ اجْعَلْهُمْ مِنْ نَارِ حُبِّكَ وَ حَرَارَةِ صَوْمِكَ مُشْتَعِلِينَ فِي أَمْرِكَ وَ مُشْتَغِلِينَ بِذِكْرِكَ لِمَا تُنَائِكَ * أَي رَبِّ لِمَا زَيَّنْتَهُمْ بِطِرَازِ الصَّوْمِ زَيْنَهُمْ بِطِرَازِ الْقَبُولِ بِفَضْلِكَ وَ إِحْسَانِكَ لِأَنَّ الْأَعْمَالَ كُلَّهَا مُعَلَّقَةٌ بِقَبُولِكَ وَ مَنْوُطَةٌ بِأَمْرِكَ * لَوْ تَحَكَّمُ لِمَنْ أَفْطَرَ حُكْمَ الصَّوْمِ أَنَّهُ مِمَّنْ صَامَ فِي أَرْزَالِ الْأَزَالِ وَ لَوْ تَحَكَّمُ لِمَنْ صَامَ حُكْمَ الْإِفْطَارِ أَنَّهُ مِمَّنْ اغْبَرَّ بِهِ ثُوبُ الْأَمْرِ وَ بَعْدَ عَن زَلَالِ هَذَا السَّلْسَالِ * أَنْتَ الَّذِي بِكَ نُصِبَتْ رَأْيُهُ أَنْتَ الْمَحْمُودُ فِي فِعْلِكَ وَ ارْتَفَعَتْ أَعْلَامُ أَنْتَ الْمُطَاعُ فِي أَمْرِكَ * عَرَّفَ يَا إِلَهِي عِبَادَكَ هَذَا الْمَقَامَ لِيَعْلَمُوا شَرَفَ كُلِّ أَمْرٍ بِأَمْرِكَ وَ كَلِمَتِكَ وَ فَضْلَ كُلِّ عَمَلٍ بِإِذْنِكَ وَ إِرَادَتِكَ وَ لِيَرَوْا زِمَامَ الْأَعْمَالِ فِي قَبْضَةِ قَبُولِكَ وَ أَمْرِكَ لِيَتَلَمَّاسُوا بِشَيْءٍ عَن جَمَالِكَ فِي هَذِهِ الْأَيَّامِ الَّتِي فِيهَا يَنْطِقُ الْمَسِيحُ: الْمَلِكُ لَكَ يَا مُوجِدَ الرُّوحِ وَ يَتَكَلَّمُ الْحَبِيبُ: لَكَ الْحَمْدُ يَا مُحِبُّوبُ بِمَا أَظْهَرْتَ جَمَالَكَ وَ كَتَبْتَ لِأَصْفِيَائِكَ الْوُرُودَ فِي مَقَرِّ ظُهُورِ اسْمِكَ الْأَعْظَمِ الَّذِي بِهِ نَاحَ الْأُمَمِ إِلَّا مَنْ انْقَطَعَ عَمَّا سِوَاكَ مُقْبِلًا إِلَى مَطْلَعِ ذَاتِكَ وَ مَظْهَرِ صِفَاتِكَ * أَي رَبِّ قَدْ أَفْطَرَ الْيَوْمَ غُصْنَكَ وَ مَنْ فِي حَوْلِكَ بَعْدَ مَا صَامُوا فِي جِوَارِكَ طَلَبًا لِرِضَائِكَ قَدَّرَ لَهُ وَ لَهُمْ وَ لِلَّذِينَ وَرَدُوا عَلَيْكَ فِي هَذِهِ الْأَيَّامِ كُلِّ خَيْرٍ قَدَّرْتَهُ فِي كِتَابِكَ ثُمَّ ارزُقْهُمْ مَا هُوَ خَيْرٌ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ * أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

(ادعیه حضرت محبوب ص ۱۳۲)

۵- قسمتی از لوح حضرت بهاءالله

بهار ظاهری که تربیت ظاهر اشیا به امر خالق اسما به او موکول و مفوض است در سال یک مرتبه ظاهر شود ، و هم چنین بهار معنوی که تربیت ارواح و افئده منیره می نماید و حیوة باقیه دائمه مبذول می فرماید در هر هزار سنه او ازید یک بار جلوه می نماید و بر همه اشیا از غیب و شهود خلعت هستی و تجلی ربوبی ابلاغ می فرماید ، دیگر تا کی مستحق آید و چه کس لایق باشد که ادراک نماید ، پس تا نسیمهای خوش روحانی از باغهای قدس معانی می وزد و بلبل بیان بر شاخهای گل رضوان می سراید سعی و جهدی باید تا گوش از آوازه های ملیح ربّانی بی نصیب نشود و جسم از بادهای بهار معنوی محروم نماند ، و بر هر شجر یابسه که مرور نمود خلعت تازه دائمه عنایت فرمود، به حفظ جان مپردازید و از جانان مگذرید. (لئالی الحکمه ج ۲ ص ۷)

اوست خورشید درخشنده و بخشنده مهربان

ای جمشید، سپیده دمید و خورشید درخشید، بهار رسید ابر فروردین گریست، اردیبهشت کیهان را بهشت برین نمود، سرو ببالید، مرغ بامداد بنالید، گل بشکفت و سوسن آزاد با زبان خاموش، گوهر راز پنهان بسفت، بزم کرم برپا شد و جشن سده در چمن آشکار گشت، جام جم در گردش آمد و آهنگ بارید بلند شد، ساز و آواز به میان آمد، چنگی ترانه آغاز کرد و چنگ و پیما نه دمساز شد، خمر باده و می به جوش آمد، در انجمن گل نوشا نوش درگرفت، مرغان چمن سرمست گشتند، تذروان می پرست شدند، با همه این های و هوی و غرش و فریاد و گفتگوی و جنبش آواز و گردش جام مشکبوی، مرغانی به جستجو نیامدند و به این گلستان نشناختند، تو آوازی برآر و فریادی بز بکنه بیدار گردند و هوشیار شوند. ع ع

(یاران پارسی ص ۴۱۹)

۷- نوروز ۱۲۶۳

محمد بیک و سواران به همراهی آن حضرت منزل به منزل طی طریق نموده تا روز اول ماه ربیع الثانی از سال ۱۲۶۳ به کاشان وارد شدند. حاجی میرزا جانی که بوسیله جناب باب الیمان یافته بود شب قبل از ورود آن حضرت در عالم رویا مشاهده نمود که در کنار دروازه عطا ایستاده و ناگهان هیکل مبارک را زیارت نمود که بر سر کلاه دارند و سوار بر اسب می باشند و اطراف ایشان را چند سوار احاطه نموده و چون به او نزدیک شدند به او فرمودند بزودی به تو وارد می شویم و سه شب میهمان تو خواهیم بود مستعد و آماده ملاقات باش.

حاجی میرزا جانی چون بیدار شد به رویای صادق خود اطمینان یافته و روز بعد وسایل پذیرائی فراهم کرد و خود را به دروازه عطا رسانید و منتظر ایستاد تا در ساعت معین مشاهده نمود عده سواران از دور پیدا شده و چون نزدیک رسیدند حضرت نقطه اولی را چنانکه در عالم رویا دیده بود شناخته نزدیک رفت و با قلبی سرشار از محبت و سرور برای بوسیدن رکاب آن حضرت قامت خود را خم نمود ولی حضرت مانع شده به او فرمودند تا مدت سه شب میهمان تو خواهیم بود و فردا که روز عید نوروز است در منزل تو جمع خواهیم شد.

حاجی میرزا جانی با محمد بیک و همراهانش مذاکره نموده و آنها را قانع نمود و اکرام و انعام کرد تا موافقت نمودند که آن حضرت مدت سه شب میهمان ایشان باشند لذا آن حضرت را در آن شب که شب عید نوروز بود در منزل خود پذیرائی و ضیافت نموده به لوازم خدمت قیام کرد و جمعی از علما و تجار و سادات در آن منزل

به شرف لقا و زیارت آن حضرت نائل گشته ایمان حاصل نمودند و صبح روز دوم عید نوروز با دوستان وداع فرموده به اتفاق سواران حرکت فرمودند .
(حضرت نقطه اولی ص ۲۰۸)

۸-شام شب نوروز در حضور امه‌البها روحیه خانم

حضرت امه‌البها روحیه خانم دارای صفات ملکوتی خاصی بودند که ایشان را شخصیتی بی نظیر و قابل ستایش می ساخت . از جمله ایشان جمیع ملل و طوائف بشری را واقعاً دوست می داشتند آداب و رسوم آنان را دقیقاً مطالعه می کردند و هر آنچه که ممدوح بود می ستودند. نزدیک صیام بود .روزی با ویولت عزیز(خانم نخجوانی)در محضرشان در بیت مبارک بودیم ،فرمودند: من می خواهم در خاتمه ایام صیام ،شب نوروز را با خادمین ایرانی در بیت مبارک بگذرانم. می خواهم شبی کاملاً ایرانی باشد و نیز فرمودند که من راجع به هفت سین سال نو بسیار شنیده ام ولی از نزدیک ندیده ام می خواهم یک سفره هفت سین هم درست کنیم. این خبر را با شمع زایدالوصف به اطلاع دوستان رساندیم. هیچ کدام انتظار چنین نعمت غیر مترقبه ای را نداشتند و با جان و دل آماده هر نوع خدمتی شدند تا شب جالب و شایسته ای در حضور امه‌البها داشته باشیم. در گیر و دار این مذاکرات بودیم که جناب حدّاد آن مرد شریف که روح مجسم بودند گفتند: خوب من هم پیشنهادی دارم ،در ازاء این موهبت و افتخار که حضرت خانم به ما عطا فرموده اند بهتر نیست که از طرف دوستان ایرانی مقیم ارض اقدس هدیه ای به عنوان تشکر و امتنان تقدیم کنیم؟ البته همگی به فکر بکر ایشان تحسین گفتیم. سپس در این مورد تصمیم گرفته شد که ویولت و من که بیشتر به سلیقه ایشان آشنا بودیم برویم و در شهر جستجو کنیم. تصمیم درباره غذاهای شب آسان بود سبزی پلو ،ماهی،کوکو،بورانی اسفناج و مخلفات سفره هفت سین از قبیل ماهی قرمز،سبزی کردن سبزه،رنگ کردن تخم مرغ و غیره هم که معلوم بود و برای تهیه آنها هر کسی وظیفه ای به عهده گرفت. در خلال این کارها ویولت و من مغازه ها را از زیر نظر می گذراندیم و بالاخره انگشتر زیبایی از طلای سفید که روی آن نقشی از حرف انگلیسی حک و شبیه S بود و با دانه های ریز الماس تزئین شده بود ،جلب توجه ما را کرد. خبرش را به جمع دوستان دادیم و همگی تصویب کردند و قیمت را بین خودمان تقسیم کردیم. سرانجام شب نوروز فرا رسید و عقربه های ساعت نزدیک به وقت افطار در حرکت بود .صدای پای خانم عزیزمان را که از طبقه بالا تشریف می آوردند شنیدیم .در نهایت سرور با لباسی بس زیبا و سیمای نورانی و تبسم لطیفی وارد سرسرای بیت مبارک شدند که میز شام و میز هفت سین را چیده بودیم .جلوی میز هفت سین مدتی ایستادند و با کنجکاوی و شادی دلنشینی اجزاء آن را از نظر می گذراندند. ایشان از جناب نخجوانی

خواستند که لوح افطار را تلاوت کنند. شام که تمام شد حضرت خانم از طعم غذاها تعریف کردند و اظهار تفقد و تشویق نمودند. عطیه خانم حقیقی به آرامی و با جملاتی شیرین مراتب قدردانی حاضرین را ابراز داشت و از آن افتخاری که نصیب خادمان ایرانی ارض اقدس شده بود شکر گزاری کرد سپس سویدا معانی کوچولو که لباس زیبایی در بر کرده بود و تاجی از گل های زیبا بر سر داشت هدیه را در بشقاب نقره ای زیبایی که با گل های تازه یاس تزیین شده بود، تقدیم حضرت خانم کرد. خانم عزیز بسیار مسرور شده هدیه را پذیرفتند و آن را باز کرده نگاهی به انگشتر کردند و به انگشت نهادند فرمودند چقدر زیباست این دانه های الماس که روی حرف S چیده شده حرف اول اسم حضرت شوقی افندی به زبان انگلیسی است در آن هنگام ویولت عزیز و من از شدت شغف و مسرت برای شبی تاریخی که در نهایت موفقیت و روحانیت و صمیمیت برگزار شد دستهای یکدیگر در زیر میز به گرمی فشردیم.

(بر گرفته از پیام بهایی شماره ۳۸۴ صفحه ۵۴)

۱۰- مناجات خاتمه

هُوَ اللَّهُ

ای بدیع الألفاف لطفی بدیع نما و لطافت ربیع بخشا . ما نهالانیم به دست مرحمت کشته و با آب و گل مودت سرشته. محتاج جوی عطای توئیم و شایان ابر سخای تو این کشت امید رابه خود مگذار و از باران عنایت دریغ مدار از سحاب جودت ببارتا نهال وجود ببار آید و دلبر مقصود در کنار. عبد البهاء عباس
(مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبهاء ص ۴۸۰)

۹-نوروز و نرگس (شعری از فریدون مشیری)

بوی گل نرگس؟

نه، که بوی خوش عید است!

شو پنجره بگشا،

که نسیم است و نوید است.

رو، خار غم از دل بکن، ای دوست، که نوروز

هنگام درخشیدن گل های امید است.

بر لاله از برف برون آمده بنگر،

چون روی تو، کز بوسه من سرخ و سپید است.

با نقل و نبیدم نبود کار، که امروز

روی تو مرا عید و لبث نقل و نبید است.

گر با دل خونین، لب خندان بپسندی،

با من بزن این جام، که ایام، سعید است!

(پیام بهائی شماره ۲۵۶ ص ۳۹)